

ظفرنامه

مولانا شرف الدین علی یزدی

تاریخ عمومی مفضل ایران در دوره تیموریان

تصحیح و اتمام محمد عباسی

از روی نسخه دو علم رصفت نوشته شده

جلد دوم



تهران - ۱۳۲۶
چاپ و تبلیغ

○ حسین احمدی

۲۱

ذوالقار منشوردار هل اتی مشهور دیارلافتی محرم راز درون و بیرون تشریف یافته انت منی بمنزلة هارون امیرالمؤمنین و امام المتفقین و یمسوب الدین اسدالله الغالب علی بن ابی طالب...» حتی نام پدر در یکجا، علی بن شمس الدین بن علی علی یزدی^۱ و در جای دیگر مرحوم شمس الدین ابیویکر یزدی^۲ و در جایی دیگر، ضیاء الدین حسین بن شرف الدین علی بن شمس الدین^۳ ذکر شده است. او در یک جا علی (ع) را وصی پیامبر معرفی کند اما بالاصله او را چهارمین خلیفه می خواند:

«نسی را وصی و خدا را ولی
علی بود بی شک و شبیت علی
از آن وجه رویش چو خورشید بود
که از چارمین اسمان رخ نمود.

و درادمه می نویسد:... امیرالمؤمنین حمزه و عباس ایشان آراسته...»^۴

او اضع سیاسی - اجتماعی زمان مؤلف شرف الدین علی یزدی در عهد اختلاف تیمور می زیسته و مصاحب شاهزاد شاه و پسرش میرزا ابراهیم سلطان بوده است.^۵ چون رسم تیمور این بود که در سفر و حضر پیوسته اعاظم ارباب و عمامی از سادات و علماء و فقهاء و اهل فضل را همراه خود داشته باشد، شاهزاد پسر تیمور نیز در ادامه روش پدر هم مجموع نسخ باقی مانده از عصر پدر را از نشر و نظم فارسی و ترکی از تمام ممالک طلب کرد^۶ و هم علماء و بزرگانی چون شرف الدین علی یزدی را ملازم رکاب خود ساخت و وی در اوایل محرم سال ۸۳۲ هـ ق. به هنگام جنگ شاهزاد میرزا با امیراسکندر پسر قراقویوسف قراقویونلو در بیرون سلماس شخصاً حضور داشته و ضمن ستابش از ابوالفتح میرزا

شرف الدین علی یزدی

و ظفرنامه او

ظفرنامه

تاریخ عمومی مفضل ایران در دوره تیموریان

مولانا شرف الدین علی یزدی

از روی نسخه دو علم رصفت نوشته شده

تصحیح و اتمام محمد عباسی

جلد اول

حق طبع محفوظ

میراث ساز پاپ ایران

○ ظفرنامه

○ تایف: شرف الدین علی یزدی

○ تهییه و تنظیم: عصام الدین اورونبایوف

○ ناشر: اداره انتشارات هنر «جمهوری شوروی سوسیالیستی ازبکستان، تاشکند، ۱۹۷۲

در این نوشته برآئیم تا شرحی کوتاه و مختصر از زندگانی علمی و سیاسی یکی دیگر از مورخان و ادبیان سرزمین ایران را ارائه دهیم و به اجمال در مورد اصل و نسب، اعتقادات، اوضاع سیاسی و اجتماعی عصر مؤلف و... نکاتی را عرضه کنیم.

در مورد مؤلف ظفرنامه، مولانا شرف الدین علی یزدی در کتب تذکره و تحقیقات، مطالب بسیار اندکی موجود است. در دو مقدمه چاپ فارسی موجود آن نیز به طور منسجم از او و کتابی ظفرنامه سخن به میان نیامده است. با این حال، مقدمه مصحح ازبکستانی ظفرنامه، عصام الدین اورونبایوف بر مقدمه محمد عباسی از جهات زیادی برتری دارد، در عین حال در این نوشته نیز در مورد اعتقادات مؤلف و ارجحیت و سبک نگارش کتاب کمتر سخن به میان آمده است.

در این مقاله سعی شده است این نواقص حتی الامکان رفع شود و طرحی نواز حیات علمی مؤلف کتاب ظفرنامه مولانا شرف الدین علی یزدی ارائه گردد. ضمن آنکه متن کتاب نیز به اجمال مورد بررسی و نقد قرار گرفته است.

شرح حال مؤلف

در مورد ابتدای زندگی مؤلف ظفرنامه تیموری، شرف الدین علی یزدی، اطلاعات بسیار اندکی در نوشته های تذکره نویسان و مورخان بعد دیده می شود و دقیقاً مشخص نیست که در چه تاریخی به دنیا آمده است. به روایتی، شرف الدین علی فرزند شیخ حاجی یزدی ملقب به شرف در شهر تفت نزدیک بزد متولد گردیده و احتمالاً مابین سالهای ۸۳۸ - ۸۳۵ هـ ق. ۱۴۱۶ م. وی در خدمت ابراهیم سلطان پسر شاهزاد بوده که در سال های مذکور بر فارس حکومت داشته است.^۷

به روایتی دیگر نام و نسبش را شرف الدین علی بن ضیاء الدین حسین بن شرف الدین علی بن شمس الدین رضی نیز نوشته اند.^۸ که به خاندانی معروف و صاحب نام تعلق داشته است، پدرش بنی مسجد جامع یزدبوده و شرف الدین نیز مدرسه شرقیه را در جوار همان مسجد بنادرد که بعداً مدفن او نیز گردید.^۹ بنابراین شرف الدین ایرانی بوده و به دلیل تربیت خانواده به کسب دانش و اموختن علوم مختلف پرداخته و در نتیجه این سعی و تلاش در همه فنون و کمالات گوی سبقت را از همگان ریود.^{۱۰} او مدت زمانی در مصر با سید نور الدین شاه نعمت ولی، سید حسین اخلاقی، سید خاتم انواری تبریزی و خواجه ضیاء الدین ترکه مونس و همدم بوده^{۱۱} و با عارفان و محققان مجالست داشته و به ویژه در علم عمماً صاحب فن بوده است.^{۱۲}

اعتقادات مؤلف
براساس آنچه از خطوط مبهم زندگی شرف الدین علی یزدی یاقی است، وی از جمله عارفان و علمای عصر خود بوده و به فضیلت و هنرپروری معروف و همواره در فارس و عراق نزد سلاطین عظام معزز و محترم بوده است.^{۱۳}

اما در اینکه شرف الدین به کدام یک از دو فرقه مهم شیعه و یا سنتی اعتقاد داشته، رأی قطعی نمی توان صادر کرد. او در مقدمه ظفرنامه نیز از خلفای راشدین به نیکی یاد کرده: «... رفیق شفیق صدیق عتیق امیرالمؤمنین ابیویکر الصدیق رضی الله تعالیٰ عنہ... و معین منصب خلافت یا جماع فاروق خطاط از صواب امیرالمؤمنین عمر بن الخطاب رضی الله تعالیٰ عنہ... و صاحب حلم و حیافی کل حین و اوان امیرالمؤمنین عثمان بن عفان رضی الله تعالیٰ عنہ... و امام با حشمت و وقار مالک ذلزل و

بالآخره در مقدمه مصحح ظفرنامه، شرف‌الدین علی چنین توصیف شده: «وی روشن بیان و تبیزان و بلندقدار، مجلس فروز و انجمن آرای سرفراز و همیشه به قلم لطایف رقم، مؤلفات بدایع آثار بر صحیفه روزگار تحریر می‌نموده است.»^{۳۳}

به طوری که از تاریخ پزد برمی‌آمد مولانا شرف‌الدین بیزد مردی ازاده و وارسته بوده، چنانکه سلاطین زمان و پادشاهان دوران استدعاًی حضور شریف او را می‌کردند ولی مشارالیه التفات نمی‌فرموده است.^{۳۴} اما این قول چندان قابل اعتنا نیست و نوشته‌های ظفرنامه خود نشان بازی از تعلق خاطر مؤلف نسبت به تیمور و خاندان او می‌باشد که برای خوش آمد فرزندان تیمور [شاهرخ و ابراهیم السلطان پسر شاهرخ] نوشته شده است.

محفویات کتاب

اثر شرف‌الدین علی بیزدی در زمینه تاریخ به نام ظفرنامه یافتح نامه همایون یا تاریخ صاحبقران امیر تیمور یا تیمورنامه شرف یا تاریخ شرف‌الدین^{۳۵}... که تاریخ عمومی تیموریان است، شامل دو قسمت می‌باشد. یکی مقدمه که به شجره‌نامه تیمور اختصاص دارد و در آن از تاریخ قبایل ترک و چهار منطقه حکمرانی پسران چنگیز سخن می‌گوید.^{۳۶} این قسمت که توسط مؤلف «تاریخ چهانگیر» نامیده شده و به نام مقدمه یا دیباچه به آن ملحق شده است، خود شامل مقدمه و دو فصل و خاتمه می‌باشد. قسمت اساسی ظفرنامه طبق نقشه مؤلف می‌باشد. مقدمه از سه مقاله تشکیل می‌شود. مقاله نخست به تیمور، مقاله دوم به پسر او شاهرخ و مقاله سوم به ابراهیم سلطان چون عصیان ورزید.^{۳۷} شرف‌الدین علاوه بر ظفرنامه صاحب اثار دیگری چون: حل مطرز در معما و لغز، منتخب حل، مواطن یا مناظر در معما، کنه‌زاد در علم و فق اعداد، الکتاب فی علم الاسطربال، حقایق التحلیل، شرح قصیده برد، شرح اسماء الله، تحفه الفقیر و هدیه الحقیر، منشات و دیوان شعر بوده است.^{۳۸} در مورد تاریخ مرگ او نیز بین مورخان و محققان اتفاق نظر وجود ندارد، برخی تاریخ مرگ او را به اصفهان آمد و آنان را مورد شمات و مواخذه قرار داد. از جمله شرف‌الدین علی بیزدی را مورد عتاب قرار نخواهد آمد.

شرف‌الدین علی بیزدی

از جمله عارفان و علمای قرون
نهم هجری بوده و به فضیلت و
هنرپروری معروف و همواره در فارس و
عراق نزد سلاطین عظام معزز و
محترم بوده است

قسمت اساسی ظفرنامه
طبق نقشه مؤلف
می‌باشند از سه مقاله تشکیل می‌شود.
مقاله نخست به تیمور
مقاله دوم به پسر او شاهرخ و
مقاله سوم به ابراهیم سلطان
پسر شاهرخ، مشوق و

حامی شرف‌الدین علی در تدوین
ظفرنامه اختصاص داده شده بود
ولی اثری که امروز به نام ظفرنامه
مشهور است و تاریخ تیمور را
شامل می‌شود
 فقط مقاله اول اثر مورد نظر مؤلف را
تشکیل می‌دهد و دو مقاله دیگر
موجود نیست

ابراهیم سلطان در تاریخ آن واقعه می‌نویسد.^{۳۹}

استکندر ترکمان چون عصیان ورزید
دارای زمان سزا او واجب دید
از تبغ ابوالفتح چوبگریخت به جنگ
تاریخ شذار ابوالفتح بیدید (۸۳۲)
اما این رابطه حسنی بین شرف‌الدین و امیر تیمور
چندان دوام نیافت. هنگامی که نوه شاهرخ، سلطان
محمد میرزا پسر بایستن توسعه جمعی از بزرگان و سادات
به اصفهان فراخوانده شد، شاهرخ برای سرکوب نوه
خود به اصفهان آمد و آنان را مورد شمات و مواخذه قرار
داد. زیرا به سلطان محمد گفته بود که شاهرخ به عراق

نخواهد آمد

پیوند چرخ و اختر و بخت تونوچان

آن به که پیر نوبت خود به جوان دهد
شاهرخ میرزا بر او خشم گرفت اما شاهزاده
عبداللطیف زانو زد و گفت مذتهاست که بدرم (العیک)
در سمرقند طالب اوسست تا رصدخانه را به اتمام رساند.^{۴۰}
و او را با خود به سمرقند برد. اما ظاهراً قبل از سفر به
سمرقند و هرات، شرف‌الدین علی مدتی در بیزد تدریس
می‌کرده^{۴۱} و سپس به شفاعت عبداللطیف به سمرقند
رفته است.

اما روزگار مولانا شرف‌الدین علی در عهد شاهزاده
ابراهیم سلطان پسر شاهرخ به خوشی گذشت و او در
عراق و فارس مرجع فضلا و نویسنده ایران، مدنی
مصالح شاهرخ تیموری و پسر او ابراهیم سلطان بوده
اعتقادی راسخ به مولانا داشته، از او التمام نمود تا
تاریخ فتوحات تیموری را بنویسد و مولانا به وقت پیری،
در مدت چهارسال، آنرا نوشت.^{۴۲}

مزایای ظفرنامه بیزدی

همان گونه که در سطور قبل بیان شد، ظفرنامه شرف‌الدین علی بیزدی تاریخ مفصل و عمومی ایران و جهان در سدة هشتم و نهم هجری است و اوضاع سیاسی و ساختار حکومتی ایران، ترکستان، گرجستان، هندوستان، افغانستان، مواراءالنهر، ارمنستان، بین‌النهرین، قفقازیه، روسیه، سیریه، آسیای صغیر و خلیج فارس را به طول و تفصیل تمام با عبارتی سلیس و شیوا تشریح کرده است.^{۴۳} و به بیان دیگر یکی از آثار بر جسته تاریخ‌نویسی مربوط به اسیای میانه می‌باشد.^{۴۴}

گرچه ظفرنامه شامی که خود در عصر تیمور

می‌زیسته و وقایع و فتوحات و شخصیت تیمور را شرح داده است از نظر قدمت و حضور مؤلف در متن خواست از جهاتی برنوشته شرف‌الدین علی یزدی برتری دارد.^{۲۲} لیکن یزدی مطالب را با شرح و تفصیل بیشتری، بیان کرده است و به ادعای خود مولف در تنظیم کتاب نامیرده حتی المقدور از اسناد، یادداشت‌های منشیان تیمور و گواهی ناظران بهره برده است.^{۲۳} گرچه محققانی معتقدند که بخلاف ادعای مؤلف از کتاب ظفرنامه شامی اخذ شده و بدون ذکر مأخذ، حتی اشعار بدون اندک تغییری نقل شده^{۲۴} و یک قسمت مطالب آن از همین ظفرنامه شامی گرفته شده که در ۸۰۴ هـ. ق. به فرمان تیمور تالیف شده است.^{۲۵}

شرف‌الدین علی یزدی

نوشتن کتاب ظفرنامه را در سال

۸۲۲ هـ. ق. آغاز کرد و آن را در مدت

چهار سال، تا سال ۸۲۸ هـ. ق. به پایان برد

و تا سال ۸۳۱ به آن نکاتی را اضافه کرد.

ولی روایت دیگری تألیف ظفرنامه را

به سال ۸۰۷ در شیراز می‌داند

گرچه ظفرنامه شامی که خود در عصر تیمور می‌زیسته و وقایع و فتوحات و شخصیت تیمور را شرح داده است از نظر قدمت و حضور مؤلف در متن خواست از جهاتی برنوشته شرف‌الدین علی یزدی

برتری دارد، لیکن یزدی مطالب را

با شرح و تفصیل بیشتری

بیان کرده است و به ادعای خود مؤلف

در تنظیم کتاب نامیرده

حتی المقدور از اسناد، یادداشت‌های

منشیان تیمور و گواهی ناظران

بهره برده است

جladat به کوه نهادند.^{۲۶}

مؤلف بر همین مبنای برای تعیین زمان و اعلان

تقویم از تاریخ قمری به زبان عربی استفاده می‌کند،

ضمن آن که آنرا با سال و تقویم مغلولی نیز طبقی داده

است... روز سه شنبه بیست و دوم جمادی‌الثانی سنه

سیع و تسعین و سمعانه موافق قنقوزیل در مقابل

یکدیگر فرود آمدند...^{۲۷}

نکته دیگر استفاده از نظام در کنار نثر برای بیان

یک واقعه و حادثه در قالب‌های مختلف شعری؛ مثوابی،

رباعی، بیت و حتی مصراح در ظفرنامه است که به تقلید

از تاریخ چهانگشایی‌جوبنی و در کل پیروی از شاهنامه

مأمور نظم کارنامه چهانگشایی‌های آنها می‌شدند و دو

قسم آخر بیش از هر دوره‌ای در عهد مغلول و تیمور رواج

یافت.^{۲۸} علت این امر نیز یکی تأثیر جذب شاهنامه یا به

تبلیغ بزرگانی برای احیاء حماسه ملی ایران، به کار

منظوم پرداختند.

سیک نگارش کتاب در عهد مغلول و تیمور به تقلید از شاهنامه فردوسی، کتب چندی به رشته تحریر درآمدند. مقلدان شاهنامه را می‌توان به سه گروه تقسیم کرد: نخست گروه شاعرانی که به ذوق شخصی و تحت تأثیر جذب شاهنامه یا به تبلیغ بزرگانی برای احیاء حماسه ملی ایران، به کار

دوام مطالعه پرداختند.

دوم گروه شاعرانی که به امید پاداش و آرزوی

تقریب، شرح احوال یکی از سلاطین را نگاشته‌اند.

سوم شاعرانی که توسط پادشاهانی که خود را کمتر از محمود غزنوی و شاهان شاهنامه فردوسی نمی‌دیدند، مأمور نظم کارنامه چهانگشایی‌های آنها می‌شدند و دو قسم آخر بیش از هر دوره‌ای در عهد مغلول و تیمور رواج یافت.^{۲۹} علت این امر نیز یکی تأثیر نهضت تاریخ‌نویسی اعمّ از منظوم و منثور و دیگر ایمان به بقا و دوام مطالعه تاریخی در قالب نظم بود.^{۳۰}

معروف ترین منظومه‌های این دوره عبارتند از:

چنگیزناهه یا شاهنشاه نامه احمد تیریزی، ۲- غازان نامه

نورالدین بن شمس الدین محمد، ۳- ظفرنامه حمدالله

مستوفی، ۴- تاریخ منظوم مغول از شمس الدین کاشانی،

۵- تمونامه یا ظفرنامه هاتق، ۶- شاهراه نامه میرزا

قاسم گتابادی، ۷- شاهجهان نامه کلیم ابوطالب کلیم

همدانی، ۸- ظفرنامه شامی و ۹- ظفرنامه یزدی.^{۳۱} گواینده

منظومه دیگری نیز در عصر یزدی به نام بهمن نامه از

شیخ فخرالدین حمزه ابن علی ملک طغری اسفراینی بیهقی

متخلص به اذری نوشته می‌شد.^{۳۲} حال با این توضیح

محتصر ولی ضروری قضاویت در مورد سیک نگارش

کتاب آسان‌تر می‌گردد. انشاء ظفرنامه یزدی دارای

ویژگی‌ها و عناصری است که تقریباً در تمام نوشته‌های

دوره مغلول و تیموری کم و بیش مشهود است. از جمله

مهمن‌ترین این ویژگی‌ها، استفاده وسیع از آیات قرآنی در

متن کتاب برای تکمیل معنای جملات است، به نحوی

که ذکر این آیات در حکم ادامه منطقی مفهوم جملات

است. مثلاً... چون بادر آب بگذشتند و اشارت علیه

بنفاذ پیوست که عساکر کردون مأثر از اطراف و جوانب

به آن کوه برانید و مجاهدان دلاور جالاک زمزمه تکبیر

و تهلیل بمسامع سبحان صوامع افلاک رسانیدند و به

قصد آن سنگدلان فهی کالحجارة أو آشدَّ قسْوة روی

۸۲۲ هـ. ق. را با سال ۷۸۸ طبق تقویم یزدگری مقابله می‌کند.^{۳۳} در پایان مقدمه نیز طی صحبت در باره زمان سپری شده از آغاز سلطنت چنگیزخان در دشت قباق ۶۲۱ هـ. ق. ۱۲۲۴ ذکر می‌کند که از آن تاریخ تاکنون ۲۰۰ سال گذشته است.^{۳۴}

بعد از مقدمه، شرح حال تیمور و فتوحات او در شرق و غرب به شیوه‌ای منشیانه و آمیخته‌ای از نثر و نظم به رشته تحریر درآمده است که در چاپ تاشکند از صفحه ۱۰۰ تا ۱۰۷ را در بر می‌گیرد و در پایان آن قید شده است که...

تمام شد کتاب فتح نامه همایون فی يوم الاحد تاسع شهر رمضان المبارک سنة اربعين و ثمانمائة الهجريه نبوية المصطبة الهالليه^{۳۵}

در چاپ تهران این مطالب در دو مجلد چاپ شده است که جلد اول آن مطابق با صفحه ۶۰۰ چاپ تاشکند است. این نوشته آنگونه که از نوشته‌های خود مؤلف بر می‌آید و در سطور قبل نیز اشاره شد در سال ۸۲۸ هـ. ق. ۱۴۲۵ م. به پایان رسیده و نقل عبدالرزاق سمرقندي در کتاب مطلع السعدین و مجمع البحرين نیز سندي بر این گفته است.^{۳۶} از دو مقاله دیگر مؤلف در مورد شاهراخ و ابراهیم سلطان اثری نیست و ممکن است به مرور زمان از بین رفته و تنها قسمت کوچکی از آن در نوشته سمرقندي منعکس شده و یا به دلیل تغییر حال مؤلف نوشته شده است.^{۳۷}

در قضاویت نهایی می‌توان گفت: ظفرنامه شرف‌الدین علی یزدی به اسلوب منشیان تألیف یافته و به صنایع بدیعی و اشعار و امثال آراسته

- ۲۷- آفتاب رانی لکهنوی، تذکره ریاض العارفین، تصحیح سید حسام الدین راشدی، پاکستان ۱۹۷۷، من ۳۴۷.
- ۲۸- رضاقلی خان هدایت، تذکره ریاض العارفین، ص ۳۵۴.
- ۲۹- عمر رضا کمال، معجم المؤلفین، بیروت: مکتبه المتنی دارالاحیاء، الترات العربي ج ۷، ص ۲۶۲.
- ۳۰- رضاقلی خان هدایت، تذکره ریاض العارفین، ص ۳۵۴.
- ۳۱- عبدالحسین زین کوب، تاریخ ایران بعد از اسلام، انتشارات امیر کبیر ۱۳۷۳، من ۵۰.
- ۳۲- حسن عمید فرهنگ عمید جنرالیو و تاریخ سازمان انتشارات جاوینان، من ۵۴۵.
- ۳۳- شرف الدین علی یزدی، ظفرنامه، مقدمه مصحح محمد عباسی، انتشارات امیر کبیر ۱۳۷۳، من ۱۴.
- ۳۴- تاریخ جدید یزد، من ۲۸۵.
- ۳۵- نبیح الله صفا، تاریخ ادبیات در ایران (ازیابان قرن ۸ تا اوائل قرن ۱۰)، انتشارات فردوسی ۱۳۶۳، ج ۴، من ۶۴.
- ۳۶- شرف الدین علی یزدی، ظفرنامه، تصحیح عصام الدین اورونبایوف، من ۸.
- ۳۷- همان منبع، من ۹.
- ۳۸- شرف الدین علی یزدی، ظفرنامه، تصحیح مولوی الهداد، کلکته ۱۸۸۸.
- ۳۹- شرف الدین علی یزدی، ظفرنامه، تصحیح محمد عباسی، انتشارات امیر کبیر ۱۳۷۶ هـ، ش.
- ۴۰- همان منبع، من ۱۸.
- ۴۱- ظفرنامه، تصحیح عصام الدین اورونبایوف، من ۱۱.
- ۴۲- ظفرنامه، تصحیح محمد عباسی، من ۱۰.
- ۴۳- ظفرنامه، تصحیح عصام الدین اورونبایوف، من ۴.
- ۴۴- نظام الدین شامی، ظفرنامه (تاریخ فتوحات امیر تیمور گورگانی)، سازمان نشر کتاب ۱۳۶۲.
- ۴۵- شرف الدین علی یزدی، ظفرنامه، تصحیح عصام الدین اورونبایوف، من ۴.
- ۴۶- ادوارد براؤن، از سعدی تاجی، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران، این سینا ۱۳۵۱، من ۵۰۰.
- ۴۷- دکتر رضازاده شفق، تاریخ ادبیات ایران، من ۵۴۱.
- ۴۸- منوچهر مرتضوی، مسایل عصر ایلخانان، مؤسسه انتشارات اگام، تهران ۱۳۷۰، من ۵۵۵.
- ۴۹- همان، من ۵۵۶.
- ۵۰- همان، من ۵۷۴.
- ۵۱- نبیح الله صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۴، من ۱۹۰.
- ۵۲- شرف الدین علی یزدی، ظفرنامه، عصام الدین اورونبایوف، ص ۲۹۱/۲۹۵/۴۸۲/۵۵۲/۵۷۶/۵۸۵/۶۱۲/۶۱۵.
- ۵۳- همان، من، ۵۷۲.
- ۵۴- همان، من ۹۲۱.
- ۵۵- همان، من ۶۸۰.
- ۵۶- همان، من ۲۲-۱۶۵.
- ۵۷- همان، من ۲۸.
- ۵۸- همان، من ۱۶.
- ۵۹- همان، من ۱۰۰۷.
- ۶۰- همان، من ۱۷.
- ۶۱- همان، من ۱۸.
- ۶۲- تاریخ ایران بعد از اسلام، من ۵۱.
- ۶۳- نظم الدین شامی، ظفرنامه، من ۱۱.
- ۶۴- محمد تقی بهار (ملک الشمراء) سیکشنسی یا تاریخ تطور نثر فارسی، ص ۱۹۵/۱۹۴/۱۸۵.
- ۶۵- رضازاده شرق، تاریخ ادبیات ایران، من ۵۴۱.
- ۶۶- نبیح الله صفا، تاریخ ادبیات در ایران، من ۴۶۸.
- ۶۷- تاریخ ایران بعد از اسلام، من ۵۰.
- ۶۸- ظفرنامه، تصحیح عصام الدین اورونبایوف، من ۱۸۹.
- ۶۹- همان منبع، من ۱۹۲.

مختص ظفرنامه یزدی نیست و تقریباً تمام فضای تاریخ نگاری ما را در بر می‌گیرد و ثانیاً تاریخ و ادبیات ما در طول حیات سیاسی پادشاهان به نوعی در خدمت آنان بوده‌اند و ما کمتر روپایی از حیات اجتماعی مردم را در تاریخ نگاری رسمی سرزمین مان می‌بینیم، آنگاه مولانا شرف الدین علی یزدی را تبریز خواهیم کرد. گواینکه ملاقات او با عبدالرحمن جامی در ساحل نهرانجیل در هرات نیز بی‌تأثیر نبوده و ظاهراً شرف الدین علی یزدی بعداز این ملاقات و استعمال سرزنش جامی که با وجود داشتمد بودن و وسعت اطلاعات، زندگی را در خدمت و مدح حاکمان به سر می‌برد، از هرات به خانقه تفت مراجعت کرده و قلم مدح را شکسته و بر سجاده حمد زندگی را به پایان برده است.

۰ پی نوشته‌ها

- ۱- شرف الدین علی یزدی: ظفرنامه، تهیه و تنظیم عصام الدین اورونبایوف، اداره انتشارات «فن» جمهوری شوروی سوسیالیستی ازبکستان، تاشکند، ۱۹۷۲، من ۶.
- ۲- سید نفیسی، تاریخ نظام و نثر در ایران، کتابخوانی فروغی، ۱۳۴۴، ج ۲، من ۷۷۵.
- ۳- آذر تفضلی، فرهنگ بزرگ اسلام و ایران، بنیاد پژوهش‌های استان قدس، ۱۳۷۲، من ۳۶۸.
- ۴- رضاقلی خان هدایت: تذکره ریاض العارفین، به کوشش مهرعلی گرگانی، انتشارات کتابخوانی محمودی، چاچانه‌زهره ۱۳۴۴، من ۲۵۴.
- ۵- حسین قلی ستوده: تاریخ آل مظفر، انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۴۷، ج ۲، من ۳۹۳.
- ۶- امیر دولتشاه بن علاء‌الدوله بختیشه الغازی السمرقندی: تذکره الشعرا به اهتمام محمد رمضانی، چاچانه‌خاور، ۱۳۳۸، من ۲۸۶.
- ۷- غایاث الدین بن همام الدین حسینی: حبیب السیر فی اخبار الشیر، محمد دیررسیاقی، انتشارات خیام، تهران ۱۳۵۳، من ۱۷.
- ۸- شرف الدین علی یزدی: ظفرنامه، تصحیح عصام الدین اورونبایوف، من ۲۶.
- ۹- فرهنگ بزرگ اسلام و ایران، من ۳۶۸.
- ۱۰- احمدین حسین بن علی کاتب: تاریخ جدید یزد، به کوشش ایرج افشار، چاچانه دانشگاه تهران ۱۳۴۵، من ۷۷۳.
- ۱۱- تاریخ نظام و نثر در ایران، من ۷۷۵.
- ۱۲- ظفرنامه، تصحیح عصام الدین اورونبایوف، من ۲۵.
- ۱۳- حسین ملکی، اطلاعات عمومی سپیده، انتشارات سپیده، تهران ۱۳۶۷، من ۱۰۵.
- ۱۴- ابوطالب حسینی تربیتی، تزویج تیموری، با مقدمه مجتبی میتوی، انتشارات اسدی، تهران ۱۳۴۲، من ۶.
- ۱۵- محمد بن خاوند شاه بلخی (میرخواند)، روضة الصفا، دکتر عباس زرباب، انتشارات علمی ۱۳۷۳، من ۱۱۶۳.
- ۱۶- همان منبع ص ۱۱۷۲.
- ۱۷- تاریخ جدید یزد، من ۲۲۱.
- ۱۸- تاریخ جدید یزد، من ۲۴۱.
- ۱۹- عبدالرازق سمرقندی، تذکره الشعراء، من ۲۸۶.
- ۲۰- حافظ ابرو، زبدۃ التواریخ، مقدمه مصحح سید کمال حاج سیدجوادی، نشرنی، تهران ۱۳۷۲، ج ۱، من ۸.
- ۲۱- صادق رضازاده شرق، تاریخ ادبیات ایران، انتشارات دانشگاه پهلوی، شیراز ۱۳۵۱، من ۵۴۱.
- ۲۲- روضہ الصفا، قسم عرض، من ۱۱۶۴.
- ۲۳- تاریخ جدید یزد، من ۲۳۱.
- ۲۴- تاریخ نظام و نثر در ایران، ج ۱، من ۲۴۸.
- ۲۵- تاریخ جدید یزد، من ۲۶۴.
- ۲۶- آقا بزرگ الطهراوی، الذریعة الی تصانیف الشیعه، دارالاخوه، بیروت، بیان جزء نهم، ۵۵۱.

نتیجه

ظفرنامه یافتح نامه شرف الدین علی یزدی از جمله آثار تاریخی است که وقایع و حوادث عصر تیمور را در لیاسی از لفافه و عبارات سجع فارسی و عربی برای دوران‌های بعد به یادگار گذاشته است و گرچه برای خشنودی اسلاف تیمور که در عهد آنان می‌زیسته، آنچه را که خوشایند نبوده، از ذکر آن خودداری کرده و جهانگشایی تیمور را به حساب گسترش اسلام و نشر آیین پیامبر (ص) گذاشته است و به جای توبیخ، تشویق و به جای تهدید، تعظیم و تکریم کرده است. اما اگر این نکته را پذیرا باشیم که اولاً این خصوصیت متأسفانه